

امام و آزادی

عبدالله ناصری چوبلو

بسیاری از نظریه پردازان سیاسی جهان در شگفتند که امام خمینی (ره) چگونه توانستند بدون بهره گیری از نظریه پردازیهای متعارف سیاسی، یک انقلاب فراگیر و سپس یک نظام سیاسی متفاوت را بنیان گذارند؛ به گونه‌ای که به شکل گیری یک قطب بندی جدید در صحنه بین الملل منجر گردید.

امام (ره) فضایل و کمالات علمی و عملی بسیاری را کسب نموده بودند، اما ایشان برای برانگیختن مردم ایران علیه نظام ستم شاهی، شیوه تدریس و تشریح فلسفه، اصول و کلام را در پیش نگرفتند، بلکه از موضع یک مرجع دینی برداشتهای سیاسی خود از فقه را در قالب احکام عملی صادر می کردند؛ به گونه‌ای که موضع گیریهای سیاسی وی به صورت تکلیف شرعی برعهده روحانیون و سایر طبقات مردم قرار می گرفت. در واقع، صرف نظر از تبصر جامع الاطراف امام خمینی (ره) در شاخه های علوم اسلامی، اندیشه سیاسی ایشان اساساً مبتنی بر فقه بود و بنابراین فروعات این اندیشه نیز ریشه فقهی داشت. از جمله این فروعات، بحث حقوق و آزادیهای فردی است که در زمره مهمترین مباحث سیاسی به حساب می آید. آنچه در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در مورد حقوق فردی و آزادیهای اجتماعی بیان شده، چه پیش از وقوع انقلاب اسلامی و یا پس از آن - در دوران حکومت اسلامی - از رویه و جهت گیری واحدی برخوردار است. از منظر امام خمینی (ره) هدف اسلام و حکومت اسلامی بر مدار سعادت انسان می چرخد و این هدف در پرتو حفظ حقوق و آزادیهای مشروع انسانها حاصل می شود. قدر و اعتبار آزادی و امنیت فردی و اجتماعی در اندیشه های امام (ره) به اندازه ای است که می تواند ملاک عدالت و حقانیت حکومتها شناخته شود و رعایت این مسائل از سوی حاکمان بزرگترین وظیفه آنها محسوب می گردد.

در همین راستا مقاله حاضر مقوله اصلی سیاست و حکومت در اندیشه های امام خمینی (ره) را نگرینسته و تبیین نموده است.



در این مقاله کوشش شده است آراء و اندیشه های حضرت امام خمینی (ره) در مورد حقوق و آزادیهای فردی بررسی گردد و مبنای نظری برداشت ایشان از حقوق اساسی و وجوه مختلف حقوق در حدود درک مولف مطرح شود. مبنای نظری نگرش حضرت امام به مسائل سیاسی - اجتماعی، براساس مفهوم «سعادت» شکل می گیرد و تمامی اهتمام فکری - سیاسی ایشان در این قالب قابل ارزیابی می باشد. امام (ره) سعادت دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی را هدف نهایی حکومت اسلامی می داند و از آنجاکه گرایش فطری انسانها به سمت و سوی کمال است، لذا وظیفه دولت را ایجاد زمینه های لازم در جهت تحقق این مساله می داند. حضرت امام در دیدگاههای خود، نهایت تلاش را برای حفظ خلوص مبنای اسلام انجام می دهد و چنان می اندیشد که گویی اندیشه غربی وجود ندارد. از لحاظ نظری، با توجه به محوریت مفهوم «سعادت»، امام خمینی در راستای نیل به هدف نهایی اسلام، یعنی سعادت و رستگاری، رعایت حقوق مردم را امری لازم برمی شمارد و از لحاظ سیاسی، حکومت اسلامی را حکومتی می داند که هدف اصلی آن برقراری عدالت و احقاق حقوق افراد جامعه است. ایشان حکومت اسلامی را مطلوب ترین نوع حکومت می داند که در پرتو آن حقوق و آزادیهای فردی به بهترین نحو تامین می شود. حضرت امام، دو نوع نظام سیاسی مردمی و استبدادی را رودرروی هم می داند؛ با این توضیح که هدف نظام مردمی، هدایت افراد به سوی کمال است اما ماهیت نظام استبدادی، ظلم و بی عدالتی است.

امام، از سیاست و حکومت تفسیری عرفانی ارائه می کند و براین اساس، معتقد است که اگر افراد مهذب زمام امور سیاسی را به عهده گیرند، جامعه در مسیر تهذیب، سعادت و تکامل اخلاقی هدایت خواهد شد. به تاکید امام (ره)، اگر تحت لوای اسلام نباشیم، نمی توانیم به دموکراسی، به خوبی عمل کنیم. نظر به این دیدگاهها است که می توان ادعا کرد حرکت سیاسی امام خمینی (ره) بزرگترین حرکت تاریخ معاصر برای ایفای حقوق و آزادیهای فردی و سرنگونی حکومت استبدادی بود؛ چنان که ضمن مخالفت با «آزادی غربی» و «آزادیهای حیوانی و نامشروع»، بر وجود آزادیهای سیاسی با تمام مصادیق و ابعاد آن، از جمله بر آزادی تفکر و اجتماعات، مشروط بر آن که از «بی بندوباری» و «هتک ارزشهای اسلامی» به دور باشد، و همچنین بر امنیت فردی و حفظ حرمت افراد به شدت تاکید می ورزید و ظلم در مفهوم کلی آن را به معنای تضییع حقوق فردی - که ویژگی اصلی حکومتهای استبدادی است - می دانست. از دیدگاه امام خمینی (ره) حکومت اسلامی، براساس قوانین اسلام، تمامی حقوق و آزادیهای فردی را در خود دارا است و جلب رضایت مردم هدف اصلی آن می باشد و مبنای مشروعیت حکومت اسلامی، رای و خواست مردم است.

امام خمینی (ره)، فیلسوف یا نظریه پرداز سیاسی و سیاستمدار به مفهوم نوین آن نیست، بلکه فقیه است و به همین علت نیز نظر و عمل ایشان در باب حقوق و آزادیهای فردی، به هم پیوند خورده است. امام با حرکت سیاسی خود، در واقع «فقه» را به عرصه «سیاست» وارد کرد. ایشان زمانی که به عنوان مرد سیاسی با پرسشهای نوین مواجه شد، به سراغ کتاب و سنت - به ویژه سنت - رفت و به این دیدگاه رسید که «دموکراسی اسلام کامل تر از دموکراسیهای دیگر است» و با استناد به شیوه حکومت حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) بر

مردمی بودن حکومت در اسلام و بر حقوق مردم در مفهومی گسترده در مقابل حکومت تاکید کرد. حضرت امام یکی از عوامل اصلی نامشروع بودن حکومت پهلوی را تضييع و سلب حقوق مردم می‌دانست.

امام خمینی(ره) اجرای احکام اسلامی را جز از طریق تشکیل حکومت اسلامی عملی نمی‌دانست؛ در نتیجه در نظر و عمل سیاسی، تشکیل حکومت اسلامی را به عنوان هدف اصلی و نهایی خود انتخاب کرد؛ چون آن را عامل اصلی سعادت انسان می‌دانست. این که می‌گوییم امام در این زمینه مانند فیلسوف سیاسی نمی‌اندیشید، بدان خاطر است که ایشان این اندیشه را بر اساس برداشت خاصی از کتاب و سنت - و نه در نتیجه تاملات فلسفی - اتخاذ کردند.

اساسا نگاه امام به انسان، نگاه معنوی و عرفانی است و تمامی مخلوقات را جلوه‌ای از ذات مقدس الهی می‌داند و معتقد است که «تمام سلسله وجود، از عوالم غیب و شهود، همگی از یقینهای مشیت و مظاهر آنند و نسبت مشیت به همه آنها یک نسبت مساوی است، هر چند نسبت آنها به مشیت مختلف است. همه چیز مسخر در تحت کبریای حق است.»^۱ خلقت، نتیجه مشیت الهی بوده و انسان عصاره خلقت الهی و خلیفه خدا بر روی زمین است. انسان‌سازی در اندیشه امام خمینی، جایگاهی رفیع دارد و اساسا امتیاز اصلی مکتبهای توحیدی بر سایر مکتبها را در همین وجه می‌دانند. در واقع از دیدگاه امام اگر انسان اصلاح شود، جامعه و دنیا اصلاح خواهد شد. در مسیر کمال جویی انسان و نیز بر سر راه اراده او در طی طریق، دو دسته از موانع درونی و بیرونی وجود دارد: دسته اول حب نفس است که امام آن را ریشه تمام مفاسد و مظالم معرفی می‌کند و دوم که یک مانع بیرونی است، ظلم و ستم حکومت می‌باشد که با حقوق و آزادیهای فردی رابطه پیدا می‌کند. ضمنا ایشان بین این دو دسته موانع بیرونی و درونی، قائل به رابطه هستند: «زیر بار ظلم رفتن مثل... ظلم کردن [است و] هر دو از ناحیه عدم تزکیه است... تزکیه، ذکر اسم الله، اینها مراتبی است [که] اگر ما به آن رسیده بودیم، نه حال انفعالی پیدا می‌کردیم برای پذیرش ظلم و نه ظالم بودیم.»^۲

مهمترین منبع نظری برداشت امام خمینی(ره) از حقوق و آزادیهای فردی، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است. حقوق فردی فقط در ارتباط با حکومت و حدود قدرت آن معنی پیدا می‌کند. حقوق فردی در حکومت اسلامی هم صرفا در مقابل میزان اقتدار حکومت معنی دارد. تعریفی که هر حکومتی از خود ارائه می‌دهد، در واقع جایگاه مردم و حقوق آنها را در آن حکومت مشخص می‌کند. بینش عرفانی حضرت امام به نظریه‌های سیاسی خاصی منتهی می‌شود که اصل را بر تهذیب نفس حاکمان سیاسی قرار می‌دهد و از سیاست،

تفسیری عرفانی ارائه می‌کند. در نظریه امام، ولی فقیه حاکم مذهب است. البته این به معنای غفلت از مبانی فقهی نظریه سیاسی حضرت امام نیست. ایشان حکومت اسلامی را تحقق زمینی حاکمیت الهی و هدف آن را هدف انسانی و مقدس می‌داند: «کسی جز خدا حق حکومت بر کسی ندارد و حق قانونگذاری نیز ندارد و خدا به حکم عقل باید برای مردم حکومت تشکیل دهد و قانون وضع کند، اما قانون همان قوانین اسلام است که وضع کرده.»^۳

امام خمینی(ره) در آثار مختلف، حکومتهای ظالمان و شاهان مستبد را که ناقض حقوق مردم بوده‌اند، به شدت مورد حمله قرار داده است: «شاهنشاهی ایران از اولی که زاییده شده است تا حالا روی تاریخ را سیاه کرده است. جنایات شاهان ایران روی تاریخ را سیاه کرده است.»^۴ انگیزه امام از طرح بحث حاکمیت الهی، نفی هرگونه قدرت استبدادی است؛ چنان که اعتقاد دارد: «فقه تئوری واقعی و کامل اراده انسان و اجتماع از گهواره تا گور است.»^۵ ایشان مرز بین حکومت اسلامی با حکومتهای دیگر را در مساله عدالت اجتماعی می‌داند و معتقد است که بدون تحقق آن حکومت اسلامی چیزی جز ادعا نخواهد بود؛ چرا که هدف انبیا و اولیای الهی نیز گسترش عدالت بوده است و لذا حکومت اسلامی باید عامل ترویج معنویت و اقامه عدل باشد: «اساسا انبیاء خدا صلوات الله علیهم مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت‌های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی.»^۶ حضرت امام هدف انقلاب اسلامی ایران را نیز برقراری و گسترش عدالت اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای می‌داند که در آن هیچ گونه ظلمی نباشد: «ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم، اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد، اسلامی [که در] آن شخص اولش با آن فرد آخر همه علی‌السوی در مقابل قانون باشند. در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است و آن قانون الهی [است].»^۷ بنابراین معیار اصلی و لازمه حکومت اسلامی، برقراری عدالت اجتماعی است.

عدالت اجتماعی دارای مظاهری است که از جمله مهمترین آنها، رعایت حقوق و آزادیهای فردی، اصل برابری، کسب رضایت عمومی و احترام به حقوق همگان می‌باشد. در حکومت اسلامی نه تنها تبعیض میان صاحبان قدرت و مردم عادی وجود ندارد، بلکه صاحبان قدرت و کارگزاران باید خدمتگزار ملت باشند و «رژیم اسلامی به این است که این افرادی که در کار هستند، این افرادی که در این رژیم هستند، مشغول به خدمتگزاری هستند، کارندهای دولتی، همه شان، هر کدام آنجا که کاری می‌کنند، کارشان اسلامی باشد.»^۸ به اعتقاد حضرت امام(ره) در حکومت اسلامی

بین افراد هیچ گونه تبعیضی وجود ندارد و باید با تمام افراد به صورت برابر برخورد شود: «عدالت این است که این آدمی که الان احتیاج به من دارد از خارج آمده، الان که از راه دور آمده، به این اداره احتیاج دارد، زود رسیدگی بشود به احتیاج این، این طور نباشد که یک کس که آشنای ما هست جلو کارش را انجام بدهیم، یک کسی که غریبه است عقب تر انجام بدهیم.»^۹

عدالت اقتصادی و رسیدگی به فقرا، از دیگر مشخصه‌های اساسی حکومت اسلامی به حساب می‌آید.^{۱۰} امام معتقد است که در جمهوری اسلامی مشکل فقرا حل خواهد شد؛ چون احکام اسلامی مساله فقر و فقرا را حل کرده است.^{۱۱}

امام خمینی امنیت و آزادی را نعمتهای بزرگ الهی می‌داند که جز در سایه حکومت عدل الهی قابل تحقق نیست و حتی جایگاه امنیت و آزادی را بسیار بالاتر از رفاه اقتصادی قرار می‌دهد: «ملتها اگر نان جو بخورند و در پناه حکومت عدل و قانون در امنیت به سر برند، بهتر از این است که دارای زندگی کذابی باشند ولی آزادی و امنیت نداشته باشند.»^{۱۲}

ایشان صریحا هدف انقلاب را تحقق حقوق بشر معرفی کرده و تاکید می‌کند: «ما مطالبه حقوق اولیه بشر را می‌کنیم. مردم برای مطالبه حقوق اولیه خود قیام نموده‌اند.»^{۱۳} و با انتقاد از نهادهای حقوق بشر، حکومت شاهنشاهی را بزرگترین مانع رسیدن مردم به حقوق و آزادیهای فردی می‌داند و از سکوت نهادهای حقوق بشر در مقابل نقض حقوق اولیه مردم ایران توسط حکومت انتقاد می‌کند: «آنهايي که می‌گویند که ما برای حقوق بشر چه [کار کرده ایم] و مجلس حقوق بشر درست کردیم، از این حرفها، ببینید اینها با بشر چه جور رفتار کردند، کجا حق بشر را به او دادند. یکی از بشرها ما بودیم دیگر. ما هم یک دسته بشر هستیم، پنجاه و چند سال است که ماها پادمان است همه حقوق ما را از بین می‌برند، همه چیزمان را از بین بردند.»^{۱۴} امام به لحاظ نظری تاکید می‌کند که مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر به نفع بشر است، اما به شرط این که به آن عمل شود: «سی ماده می‌نویسند که همه‌اش موادی است که خوب، به نفع بشر است و یکی‌اش هم عمل نمی‌کنند.»^{۱۵}

امام در زمینه جلب توجه مردم، بیش از همه بر رفتار روحانیون تاکید دارد: «اگر روحانیون که در رأس جامعه هستند روی موازین و مقررات عمل نکنند... الان یک تکلیف بزرگی برعهده ماست.»^{۱۶} ایشان در مورد رفتار نیروهای انتظامی با مردم نیز دقت خاصی دارد و سرکوبی و بدرفتاری آنها با مردم را باعث بی‌اعتمادی مردم به نظام می‌داند: «فرق ما بین قوای انتظامیه در نظام و رژیم طاغوتی و قوای انتظامی در رژیم اسلامی، در این است که چون رژیم طاغوتی مبنایش بر استفاده‌های شخصی و رساندن انتفاع به کسانی که ارتباطات

خارجی با آنها دارد و می خواهد حفظ کند او را، ناچار آن رژیم به ملت خیانت می کند.»^{۱۷}

حضرت امام (ره) ظلم به مفهوم تجاوز به حقوق مردم را مظهر اصلی نظامهای فاسد می داند و رسالت حکومت اسلامی را جلوگیری از چنین اعمالی بیان می کند. ظلم به هر صورتی که باشد مورد تنفر امام است. این ظلم، از ظلم افراد به خانواده خود تا ظلم حکومت به مردم را شامل می شود^{۱۸} و به هر صورت که باشد، مایه فساد بوده و نشانه ظلمت به شمار می رود؛ درحالی که اسلام خواهان هدایت افراد از ظلمت به نور است.^{۱۹}

از نظر امام خمینی، قانون گرایی امری ضروری بوده و تأثیری مهم در بهبود اوضاع کشور دارد. از نظر ایشان تمام افراد در برابر قانون یکسان هستند و باید به آن پایبند بمانند؛ «امید است که امسال سال حکومت قانون باشد. در اسلام همه کس حتی پیامبر عظیم الشان - صلی الله علیه و آله - در مقابل قانون بی امتیاز و یکسان هستند.»^{۲۰}

یکی از شعارهای اصلی امام خمینی نفی استبداد بود؛ چرا که باعث نقض حقوق و آزادیهای اولیه مردم می شود: «بنابراین سلطنت وی [محمد رضا شاه] از اساس غیرقانونی است و از مشروعیت برخوردار نیست و دیگر این که شاه در تمام دوران سلطنتش مستمرا قوانین اسلام را نقض کرده و حقوق کل جامعه ایرانی را پایمال نموده است.»^{۲۱} «اینها دارند حقوق اولیه بشریت را مطالبه می کنند. حق اولیه بشر این است که من می خواهم حرفم آزاد باشد. من می خواهم مستقل باشم. من می خواهم خودم باشم. حرف ما این است. این حرفی است هر جا شما بگویید از شما می پذیرند.»^{۲۲}

در اندیشه سیاسی حضرت امام، چه در دوران مبارزه با رژیم سلطنتی و چه در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «حق تعیین سرنوشت» اهمیت کلیدی دارد. تعیین سرنوشت، حقی است شرعی و الهی که خداوند به انسان عطا فرموده است؛ «حق شرعی، حق قانونی و حق بشری ما این است که سرنوشتمان دست خودمان باشد.»^{۲۳} در اینجا این سوال مطرح می شود که رای مردم در حکومت اسلامی چه جایگاهی دارد و آیا به فرض، مردم می توانند با حکومت اسلامی مخالفت کنند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که اصولا در منظر ذهنی امام تصویری مبنی بر مخالفت مردم مسلمان با حکومت منطبق با موازین اسلامی وجود ندارد. از اندیشه های امام می توان استنباط نمود که با توجه به تصور ایشان از حکومت اسلامی به عنوان حکومت مطلوب، مخالفت مردم مسلمان با آن، غیرممکن است. از مجموع گفته های حضرت امام استنباط می شود که ایشان منشا مشروعیت حکومت را دو چیز می دانند: ۱- اذن الهی که به فقها داده شده است ۲- مقبولیت مردمی که علاوه بر منشا مشروعیت، شرط تحقق آن نیز به شمار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

می‌آید. هسته مرکزی تفکر سیاسی امام را ولایت فقها تشکیل می‌دهد و ایشان تنها حکومتی را مشروع می‌داند که دارای اذن الهی باشد.

در دیدگاه امام خمینی(ره)، نظارت مردم بر حکومت یکی از اصول اساسی مردم سالاری به شمار می‌آید؛ چراکه وقتی اراده و خواست مردم، مبنای تحقق اعمال قدرت سیاسی باشد. طبیعتاً نظارت آنان بر حکومت برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت نیز امری ضروری خواهد بود. این نظارت در اندیشه سیاسی امام از دو طریق اجرا می‌شود. الف- نظارت درونی ب- نظارت بیرونی. حضرت امام(ره) قدرت را در صورتی خطرناک می‌داند که در دست اشخاص غیرمذهب باشد: «قدرت چنان که به دست اشخاص غیرمذهب برسد خطر دارد. قدرت خودش یک کمال است. خدای تبارک و تعالی قادر است، لکن اگر چنانچه قدرت به دست اشخاص فاسد برسد، همین کمال را به فساد می‌کشانند»^{۲۴} و اما نظارت بیرونی باید از سوی مردم اعمال گردد تا از انحراف دولت از مسیر اسلامی و انسانی جلوگیری شود: «ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس، همه چیز، اگر کنار بروند و بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان باشند. ممکن است یک وقت به تباهی بکشد. ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد»^{۲۵} امام این نظارت را حق فردفرد اعضای جامعه اسلامی می‌داند که روسای جامعه باید در قبال آن پاسخگو باشند: «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و او باید جواب قانع کننده دهد. درغیراین صورت اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبه خود از مقام زمامداری معزول است»^{۲۶} امام معتقد است که حکومت اسلامی متکی به آرای ملت و قوانین الهی است و اگر زمانی برخلاف آرای ملت و قانون الهی عمل کند، ملت می‌تواند آن را ساقط کند: «حکومت اسلامی... حکومت ملی است. حکومت، مستند به قانون الهی و به آراء ملت است. این طور نیست که با قلدری آمده باشد که بخواهد حفظ بکند. خودش با آراء ملت می‌آید و ملت او را حفظ می‌کند و هر روز هم که خلاف رای ملت عمل کند قهراً ساقط است و ملت ایران هم او را کنار می‌زند»^{۲۷}

مقوله آزادیهای سیاسی یکی از حوزه‌های مهمی است که روشن شدن افکار حضرت امام خمینی(ره) درباره آن می‌تواند بسیاری از چالشها و سوءتفاهمها را رفع کند. امام با درک روشن خود، پیدایش فضای اندیشه در جامعه را مرسوم پیروزی انقلاب اسلامی می‌داند و تاکید می‌کند که در شرایط جدید باید براساس عقل و برهان با مسائل برخورد شود: «علما و روحانیون ان شاءالله به همه ابعاد و جوانب و مسئولیت خود آشنا هستند، ولی از باب تذکر و تاکید عرض می‌کنم، امروز که

بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند. با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوید و اگر بیراه می‌روند با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه درست را نشان بدهید»^{۲۸} امام یکی از مشخصه‌های انقلاب اسلامی را اعطای آزادی به تمامی افراد جامعه می‌داند و معتقد است که «هیچ انقلابی مثل انقلاب اسلامی ایران نبود که به مجرد پیروزی راهها را باز و فعالیت حزبه‌ها و گروهها را آزاد گذارد»^{۲۹} حضرت امام(ره) معتقدند که «آزادی یک مسأله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامات نمی‌کند که شما باید حتماً این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی. کسی الزامات نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی. آزادی یک چیز واضحی است»^{۳۰} اما آزادی «غربی» و «حیوانی» نیز آن چیزی نیست که مطمح نظر امام باشد بلکه ایشان این نوع از آزادی را با مصالح جامعه و افراد مغایر دانسته و با آن مخالفت می‌کند: «مملکت، مملکت است به جوانش، به نیروی انسانی‌ش. چیزی که نیروی انسانی ما را به باد می‌دهد، مملکت را به باد می‌دهد این طور آزادی‌ای که این آقایان می‌خواهند، این آزادی‌ای است که نیروی انسانی را به تباهی می‌کشد و به آنجا می‌کشد که هرچه به سرش بیآورند حرفی نزنند»^{۳۱} امام آزادی غربی را، آزادی استعماری می‌داند و معتقد است ممالک استعماری به افراد خائن دیکته کرده‌اند که این آزادیها را ترویج کنند.

ایشان همچنین آزادی سیاسی را از توطئه و خرابکاری متمایز کرده و می‌گوید: «در اسلام و جمهوری اسلامی آزادی هست ولی توطئه نیست». یا در جای دیگر می‌گوید: «آزادی هست و بوده است. این چیزی که جلویش گرفته شده است... آزادی توطئه است. این آزادی توطئه را هیچ کس، هیچ جا به هیچ کس نمی‌تواند بدهد»^{۳۲} امام اقدام مسلحانه و قصد خرابکاری و براندازی را مساوی با توطئه می‌داند و تاکید می‌کند که اعطای آزادی توطئه در هیچ جا وجود ندارد.

یکی دیگر از محورهایی که امام خمینی(ره) برای آزادی بیان می‌کند قانون است و آن را تعیین کننده محدوده آزادی می‌داند و می‌فرماید: آزادی در حدود قانون است.

آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی نیز یکی دیگر از تاکیده‌های امام در دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. حضرت امام در دوران مبارزه با رژیم شاه، با انتقاد از حاکمیت انحصاری رژیم بر رسانه‌های جمعی، همه رسانه‌ها را مداح حکومت می‌دانست و از این که هیچ وسیله انتشاراتی در اختیار مخالفان نبود ابراز ناراحتی

امام، از سیاست و حکومت تفسیری عرفانی ارائه می‌کند و براین اساس، معتقد است که اگر افراد مذهب زمام امور سیاسی را به عهده بگیرند، جامعه در مسیر تهذیب، سعادت و تکامل اخلاقی هدایت خواهد شد. به تاکید امام(ره)، اگر تحت لوای اسلام نباشیم، نمی‌توانیم به دموکراسی، به خوبی عمل کنیم. نظر به این دیدگاهها است که می‌توان ادعا کرد حرکت سیاسی امام خمینی(ره) بزرگترین حرکت تاریخ معاصر برای ایفای حقوق و آزادیهای فردی و سرنوشتی حکومت استبدادی بود

یکی از مواردی که امام خمینی در زمینه فعالیت سیاسی بر سلامت و آزادی آن تاکید دارد، انتخابات می‌باشد. ایشان با انتخابات فرمایشی زمان طاغوت مخالف بوده و بر آزادی انتخابات و مشارکت مردم در آن اصرار دارد: «باید رای دادن در محیط آزاد باشد و بدون هیچ‌گونه فشار و زور و تهدید و تطمیع انجام شود.» «اگر همه کسانی که در راس امورند پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل کنید، لکن شما به نظر تان درست نباشد، جایز نیست بر شما تبعیت کنید. باید خودتان تشخیص بدهید که آدم صحیحی است تا اینکه رای بدهید.»



خودتان تشخیص بدهید که آدم صحیحی است تا اینکه رای بدهید»^{۲۸}

بررسی حقوق و آزادیهای شخصی از دیدگاه امام خمینی(ره) دارای اهمیتی خاص است. امام در آثار خود تفکیک حوزه عمومی را از حوزه خصوصی نفی می‌کند و معتقد است که اسلام می‌تواند برای زندگی افراد در داخل خانه هم حکم صادر نماید. البته این مسأله، نه به مفهوم دادن اختیار قانونی به دولت جهت تعرض به حوزه خصوصی افراد، بلکه بیانگر وجود احکامی در اسلام است که زندگی درونی افراد را هم تنظیم می‌کند و حدود این کار نیز باید در چارچوب قانون باشد: «ما نباید ظلم کنیم، یعنی تفتیش نماییم که در داخل خانه‌های مردم چه می‌گذرد... نباید داخل منازل مردم ریخت، مردم باید در خانه‌هایشان مطمئن باشند»^{۲۹}

به‌طور کلی آزادیهای فردی شامل آزادی شغل، آزادی مسکن، نحوه زندگی، امنیت فردی و مصونیت از دستگیری و شکنجه و اصل قانونی بودن مجازات است. یکی از مهم‌ترین فرمانهای حضرت امام، فرمان هشت ماده‌ای ایشان می‌باشد که در جهت تامین امنیت شخصی افراد

جامعه و حکومت اسلامی ضروری می‌دانند: «در چارچوب جمهوری اسلامی احزاب می‌توانند آزادانه اظهار نظر بکنند»^{۳۰}

یکی از مواردی که امام خمینی در زمینه فعالیت سیاسی بر سلامت و آزادی آن تأکید دارد، انتخابات می‌باشد. ایشان با انتخابات فرمایشی زمان طاغوت مخالف بوده و بر آزادی انتخابات و مشارکت مردم در آن اصرار دارد: «در سابق در هیچ امری از امور، ملت دخالت نداشت و یا نمی‌گذاشتند [دخالت] بکنند، یا از باب این که می‌دیدند از بس فساد هست در کار، نمی‌کردند. فرض کنید در انتخابات که حق ملت است، اصلاً مردم متوجه نبودند که مسأله انتخابات چی هست. اصلاً توجهی به این معانی خیلی نداشتند، از باب این که مردم را به بازی نمی‌گرفتند... این در انتخاباتی که حق مردم بود»^{۳۱} به اعتقاد امام «باید رای دادن در محیط آزاد باشد و بدون هیچ‌گونه فشار و زور و تهدید و تطمیع انجام شود»^{۳۲}

و یا در جای دیگر می‌فرماید: «اگر همه کسانی که در راس امورند پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل کنید، لکن شما به نظر آنان درست نباشد، جایز نیست بر شما تبعیت کنید. باید

می‌کرد: «ما که وسیله انتشاراتی نداریم، همه چیز را از ما گرفته‌اند، تلویزیون و رادیو را از ما گرفته‌اند، مطبوعات ما کثیف است»^{۳۳} امام در واقع تأکید داشتند که رسانه‌های گروهی باید آزاد و منتقد باشند: «همه‌گونه انتقاد را با کمال بی‌طرفی منتشر سازد تا بار دیگر شاهد رادیو و تلویزیون شاه مخلوع نگردیم»^{۳۴} حضرت امام با تبدیل شدن صدا و سیما به بلندگوی دولت مخالف بود و اعتقاد داشت که وظیفه صدا و سیما به جای توجیه‌گری، باید انتقاد بی‌طرفانه از عملکرد دولت باشد و اگر به این وظیفه خود عمل نکند، تفاوتی با رادیو و تلویزیون زمان شاه نخواهد داشت. ایشان با مطبوعاتی که با منطق و استدلال، نظرگاهها و مواضع سیاسی خود را در جامعه مطرح کنند نه تنها مخالف نبود بلکه آنها را ضروری و لازم می‌دانست؛ البته در صورتی که با قوانین اسلام مغایرت نداشته باشند.

از آنجاکه یکی از اصول اولیه حکومتهای دموکراتیک، وجود احزاب مختلف با دیدگاههای گوناگون و فعالیت آزادانه آنها می‌باشد، باتوجه به نظر امام مبنی بر سازگاری اسلام با روشهای دموکراتیک، ایشان وجود احزاب سیاسی را در

است. «باید همه بدانیم که پس از حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تایید و عنایات خداوند قادرکریم... قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن، خدای نخواستہ به کسی ظلم شود و کارهای ما خلاف مقررات الهی و اخلاق کریمه اسلامی. از اشخاص بی توجه به معنویات صادر شود.»^{۴۰} طبق نظر امام، اساس آزادیهای فردی در جامعه و حکومت اسلامی قانون بوده و فقط دولت است که به عنوان تنها مجری قانون می تواند متولی اجرای احکام اسلامی در جامعه باشد.

حضرت امام امر به معروف و نهی از منکر را در چارچوب مقررات اسلامی، جایز دانسته و تخطی از آن را روا نمی داند. ایشان بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شدیدترین آنها را از نظر تاثیرگذاری، عمل به معروف و ترک منکر برمی شمارد و در این کار، در صورت لزوم توسل به خشونت، اجازه فقیه جامع الشرایط را لازم می داند؛ به این معنا که مردم عادی تنها می توانند از طریق زبانی، آن هم با توجه به شرایط آن، از جمله با توجه کامل به تاثیرگذاری امر و نهی، به این وظیفه عمل کنند.

آزادی شغل و حقوق افراد در انتخاب آن، یکی دیگر از وجوه امنیت فردی است که امام خمینی (ره) در این زمینه تاکید می کند: «بعضی از مسائل گزینش بسیار بد بوده و چون مسائلی از این قبیل که شماره شناسنامه فلانی چند است یا فلان کس کجا شهید شدند جزء مسائل اسلامی نیست. عنوان این گونه مطالب به نام مکتب خجالت آور است که اینها ملاک گزینش و اسلامی بودن افراد گردد و ما جوانانی که به درد اسلام می خورند را از کارها بیرون بریزیم.»^{۴۱} ایشان میزان را در گزینش افراد، حال فعلی آنان دانسته^{۴۲} و مبنای گزینش را «موازین اسلامی و انسانی»^{۴۳} می داند.

امام با هتک حرمت و شکنجه متهمین برای کسب اطلاعات مخالف بوده و معتقد است که مجرم هرکس باشد و مرتکب هر جرمی هم که شده باشد، نباید با او بدرفتاری شود: «این طور نباشد که یک جنایتی واقع شد، اینها آرامش خودشان را از دست بدهند و خدای نخواستہ با زندانیان که الان هستند، ولو این زندانیان از همین گروههای فاسد باشند، با خشونت غیراسلامی عمل کنند، با آرامش و احترام عمل کنند.»^{۴۴} همچنین می فرمایند: «زندان باید تربیت کند اشخاص را، باید یک مکتب باشد زندان. وقتی می آیند آنجا، اگر یک دزدی است، دزدی اش را از او بگیرند و بیرون بفرستند، تربیتش کنند. زندان اسلامی باید روی موازین اسلامی باشد.»^{۴۵} برخی سخنان امام، چنان صریح و انسانی است که هیچ نیازی به توضیح و تفسیر ندارد. ایشان در جای دیگری می فرماید: «از باب

این که یک دسته ای از ما به وسیله همین گروهها از بین رفته، حالا ما در حبسها اشخاصی که محبوس هستند خدای نخواستہ، خلاف موازین اسلام عمل کنند.»^{۴۶}

حضرت امام (ره) به دلایل مختلف به حقوق قضایی افراد توجه زیادی نشان می داد و تأمین آن را در راستای تحقق عدالت، گامی اساسی به شمار آورده. به دستگاه قضایی توصیه می کرد که همواره خدا را در نظر داشته باشد و جز به اجرای عدالت نیندیشد.

یکی از مسائل مهم در ارتباط با حقوق فردی در اندیشه اقتصادی، از دیدگاه امام خمینی (ره)، مساله مالکیت و حدود آن در جامعه است. از نظر امام، دولت نمی تواند حق افراد در تملک بر اموال و داراییهای مشروعشان را نقض کند: «اسلام مالکیت را به طور مالکیت مشروع تثبیت کرده است... آن قدری که اسلام می شناسد مالکیت را، دولت نمی تواند تخطی بکند، بخواهد تخطی بکند کنارش می گذارند.»^{۴۷} البته منظور مالکیتی است که از محدوده فراتر نرود و مصالح جامعه را تهدید نکند: «مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است، لکن ولی امر می تواند همین مالکیت مشروعی را که می بیند خلاف مصالح اسلام و مسلمین است، همین مالکیت مشروع را محدودش می کند به یک حد معینی.»^{۴۸} از نظر امام اصل بر مشروعیت مالکیت است و اگر مالکیت از حدود خاصی تجاوز کند، در واقع به دلیل عدم اجرای قوانین موثر در تعدیل ثروت بوده که به این حد رسیده و در نتیجه نامشروع می باشد: «اسلام مالکیت را قبول دارد، ولی قوانینی در اسلام می باشد که مالکیت را تعدیل می کند. اگر به قوانین اسلامی عمل شود هیچ کس دارای زمینهای بزرگ نمی شود. مالکیت در اسلام به صورتی است که تقریباً همه در یک سطح قرار می گیرند و وقتی این چنین باشد چرا پای دولت را میان بکشیم و زمینها و صنایع را به دست مردم نسپاریم.»^{۴۹} حضرت امام همچنین تاکید داشتند که امکانات کشور باید در مناطق مختلف به طور عادلانه توزیع شود و معتقد بودند که همگان باید از حداقل امکانات زندگی برخوردار باشند: «حق ندارد حاکم و ولی امر در وقت، یک ناحیه را بیشتر به آن توجه کند تا ناحیه دیگر، حق ندارد یک طرف از کشور را زیادتراً از طرف دیگر کشور آباد کند و حق ندارد حتی یک جایی را کمتر از جای دیگر، فرض کنید که خیابان کثی یا آسفالت کند.»^{۵۰}

نتیجه

محور اندیشه های سیاسی حضرت امام، سعادت دنیوی و اخروی بوده و تمامی حرکت های سیاسی حضرت امام در راستای نیل به همین هدف مقدس می باشد. امام حکومت اسلامی را مطلوب ترین نظام سیاسی جهت هدایت جامعه

انسانی به سعادت دنیوی و اخروی می داند. ■

پی نوشت ها

- ۱- امام خمینی، شرح دعای سحر، ترجمه: احمد فیری، تهران، نشر نهضت زنان مسلمان، بی تا، ص ۱۸۷ و ۱۸۵
- ۲- همو، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب، ج ۱۹، ص ۱۳۶۱/۱۳۷۱، ص ۱۹۰
- ۳- همو، کشف الاسرار، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۲۷، ص ۲۳۳
- ۴- همو، صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۶۰
- ۵- همان، ج ۲۱، ص ۹۸
- ۶- همان، ج ۱۸، ص ۴۳
- ۷- همان، ج ۹، ص ۴۲
- ۸- همان، ج ۸، ص ۸۳
- ۹- همان، ج ۸، ص ۸۷
- ۱۰- همان، ج ۷، ص ۱۴۶
- ۱۱- همو، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۷
- ۱۲- همان، ص ۱۱۲
- ۱۳- همو، صحیفه نور، ج ۲، ص ۵
- ۱۴- همان، ج ۹، ص ۱۱۴
- ۱۵- همان، ج ۲، ص ۲۴
- ۱۶- همان، ج ۷، ص ۳۲
- ۱۷- همان، ج ۸، ص ۲۰۶
- ۱۸- همان، ج ۸، ص ۸۳
- ۱۹- همان، ج ۹، ص ۲۸۰
- ۲۰- همان، ج ۱۴، ص ۱۴۰
- ۲۱- همان، ج ۲، ص ۱۲۹
- ۲۲- همان، ج ۲، ص ۱۳۰
- ۲۳- همان، ج ۵، ص ۵
- ۲۴- همان، ج ۱۸، ص ۱۵۵
- ۲۵- همان، ج ۱۰، ص ۶۰
- ۲۶- همان، ج ۴، ص ۱۱۰
- ۲۷- همان، ج ۶، ص ۷۴
- ۲۸- همان، ج ۱۴، ص ۷۹
- ۲۹- همان، ج ۱۸، ص ۷۲
- ۳۰- همان، ج ۹، ص ۸۸
- ۳۱- همو، در جستجوی راه امام از کلام امام خمینی، دفتر هفدهم و بیستم، «آزادی و اقلیت های دینی»، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۶۳
- ۳۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۳۷
- ۳۳- همان، ج ۱، ص ۶۵
- ۳۴- همان، ج ۱۲، ص ۲۳
- ۳۵- همو، جستجوی راه امام از کلام امام خمینی، دفتر هفدهم و بیستم، آزادی و اقلیت های مذهبی، ص ۲۱۴
- ۳۶- همو، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۰۷
- ۳۷- همان، ج ۱، ص ۲۴
- ۳۸- همان، ج ۱۸، ص ۱۸۴
- ۳۹- همان، ج ۱۷، ص ۱۱۸
- ۴۰- همان، ج ۱۷، ص ۱۰۶
- ۴۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷ (نامه انحلال هیات های گزینش)
- ۴۲- همان، ص ۱۱۴
- ۴۳- همان
- ۴۴- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۰
- ۴۵- همان، ج ۱۴، ص ۱۷۲
- ۴۶- همان، ج ۱۵، ص ۵۰
- ۴۷- همان، ج ۷، ص ۳۷
- ۴۸- همان
- ۴۹- همان، ج ۳، ص ۱
- ۵۰- همان، ج ۱۱، ص ۲۶